

## عنوان مقاله:

استاد مطهری و نقد ایدئالیسم

## محل انتشار:

دوفصلنامه حکمت معاصر، دوره 2، شماره 1 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

## نویسنده:

عبدالرزاق حسامی فر - دانشیار فلسفه دانشگاه بی نالمللی امام خمینی

## خلاصه مقاله:

از قرن هفدهم در فلسفه غرب تحولی بنیادی در پژوهش فلسفی روی داد و بحث درباره نحوه شکل گیری شناخت و میزان اعتبار آن محور مسایل فلسفی شد. این تحول در قلمرو فلسفه اسلامی به علت نبود ارتباط میان دو عالم فلسفه اسلامی و غرب با سه قرن تاخیر بازتاب یافت. استاد مطهری به عنوان استاد مبرز فلسفه اسلامی کوشید تا ابتدا با آرای فیلسوفان جدید و معاصر آشنا شود، سپس به نقد و بررسی آنها بپردازد. یکی از مسایل مورد توجه استاد مسیله شناخت بود که در آن دو دیدگاه اصلی در برابر هم قرار دارند: یکی ریالیسم که وجود مابزای ادراکات حسی را در خارج میپذیرد و شناخت حسی را کاشف از خارج میدانند؛ و دیگری ایده آلیسم ذهنی که منکر این امر است. علامه طباطبایی و استاد مطهری در اصول فلسفه و روش ریالیسم با دفاع از مبانی ریالیستی فلسفه اسلامی به نقد ایدئالیسم ذهنی یا اصالت تصور از یکسو و نقد مبانی ماتریالیسم دیالکتیک از سوی دیگر میپردازند. دیدگاه استاد مطهری در این کتاب، که در دهه سی نوشته شده است، با آنچه در درسهای شرح مبسوط منظومه در دهه پنجاه القا کرده اند قدری تفاوت دارد. ایشان در کتاب نخست ایدئالیسم به معنای اصالت تصور را از حیث انکار واقعیت همتراز سفسطه میگیرد و فیلسوفان ایدئالیستی چون بارکلی و شوپنهاور را به لحاظ انکار جهان خارج از ظرف ذهن، در کنار سوفسطاییانی چون پروتاگوراس و گرگیاس نام میبرد، درحالیکه در کتاب دوم تحلیل عمیق تری از مسیله شناخت و اثبات جهان خارج به دست میدهد. در این مقاله میکوشیم با ارایه تحلیلی جامع از دیدگاه استاد مطهری در باب شناخت و نقد ایشان بر ایدئالیسم، به نقد و بررسی آرای ایشان بپردازیم.

## کلمات کلیدی:

شناخت، ادراکات حسی، کاشفیت از خارج، ایدئالیسم، ریالیسم، فلسفه اسلامی، سفسطه

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/795630>

